



خادم حضرت خورشید به آغوش حرم باز آمد

بیکر مطهر رهبر شهید با حضور میلیونی مردم مشهد
در جوار بارگاه ملکوتی حضرت امام رضا(ع) به خاک سپرده شد



در مسیر وداع

ایران زمین

ایران جمهوری اسلامی



آخرین قاب تشییع تاریخی در مشهد ماندگار شد

وصال جاودانه در وداع با رهبر شهید

گزارش

برنامه ورود آقای شهید به مشهد مقدس را به تأخیر خواهد انداخت.

با نزدیک شدن عقربه‌های ساعت به لحظه موعود، دل زائران بی تاب

و بی قرار می شود. هم‌زمان با ورود هواپیمای حامل پیکر رهبر شهید،

جنگنده‌های نیروی هوایی ارتش با ششگوهی خیره‌کننده، هواپیمای

حامل پیکر مطهر را همراهی کردند تا «آقای شهید ایران» با اقتداری

نظامی و در عین حال معنوی به خانه بازگردد. سرانجام ساعت ۱۰ و سی

دقیقه صبح بود که هواپیما در فرودگاه مشهد به زمین نشست.

ساعت ۱۲:۳۰ دقیقه ظهر پیکر مطهر «آقای شهید ایران» از فرودگاه مشهد

به سمت پایانه مسافربری خیابان امام رضا (ع) منتقل شد تا بردوش

مردم دلتنگ امام شهیدشان تشییع شود. این پاره تن ملت ایران بود که

تشییع می شد و این بار همه مردم ایران فرزند شهید هستند .

خارجی که با شعرهای پرشور خود، مرزهای جغرافیایی

را در هم شکسته بودند و پیام وحدت امت اسلام را

فریاد می زدند. کودکان، دوشادوش والدین‌شان با

امام شهید عهد می بستند و زنان و مردانی که از ده‌ها

شهر دور و نزدیک خود را رسانده بودند، با زمزمه‌های

عاشقانه «زیارت قبول» این حماسه را به نمایش

می گذاشتند. خیل عظیم عزاداران در مسیری که به

حرم منتهی می شد، در حال حرکت بودند؛ گویی هر

قدم، گامی برای رسیدن به قله وفاداری بود.

صدای صلوات، نوحه‌خوانی‌های سنتی و فریادهای

حماسی، فضای شهر را چنان پر کرده بود که گویی

مشهد به یک حسینیه بزرگ سرباز تبدیل شده

است. در این میان، هر چه به ساعت ظهر نزدیک‌تر

می‌شدیم، شکوه این حضور ملی، ابعاد تازه‌ای به خود

می‌گرفت و پیاده‌روها دیگر تگ‌ناک داشتن این موج

خورشان را نداشتند.

در میانه این خیل عظیم، اراده‌ای پولادین در ستاد

تشییع استان جریان داشت تا این حضور تاریخی،

با مدیریت شایسته به سرانجام برسد. غلامحسین

مظفری، استاندار خراسان رضوی، که خود در میان

انبوه جمعیت حضور داشت، از مدیریتی سخن

می‌گفت که در این ۱۲ روز، نه با دستورالعمل‌های

شکست اداری که با نیروی عشق مردم پیش رفت؛ او

تأکید داشت که اگر نگاه، صرفاً نگاه اداری می‌بود،

این سیل عظیم مشتاقان در همان ساعات نخستین

در حصارهای سخت ترافیکی متوقف می‌شد، اما

اراده ملت، سدها را درهم شکست. حجت‌الاسلام

والمسلمین زرنزدی، رئیس‌کل دادگستری استان

نیز خدمت به مردم در این رویداد «بالاترین نوع

عبادت» خواند و تصریح کرد که دستگاه‌های اجرایی،

برش

همایش بزرگ وحدت

آنچه در هجدهم تیرماه ۱۴۰۵ در مشهدالرضا (ع) رخ داد، فراتر از یک آیین تشییع، «همایش بزرگ وحدت» بود. وقتی پیکر مطهر رهبر شهید بردستان اقیانوسی از مردم قرار گرفت، گویی تمامی اختلافات، سلیقه‌ها و نگاه‌های متفاوت در برابر عظمت این وداع تاریخی رنگ باخت. مشهد دیروز، نه فقط پایتخت معنوی ایران، که کانون جوشش غیرت ملی بود؛ جایی که از آذربایجان تا سیستان و از کردستان تا خوزستان، در قالب کاروان‌های عاشق، خود را به حرم این امام زئوف رساندند تا ثابت کنند این انقلاب، نه با «ساختارها»، نه با «قلب‌های بی‌ولسته» به هم، استوار مانده است. این حضور میلیونی، پاسخی قاطع به تمامی توطئه‌هایی بود که با هدف ایجاد شکاف در ارکان نظام طراحی شده بود. تماشای دست‌های گره‌خورده پیرو جوان، در کنار روحانیون و دانشگاهیان و اقوام مختلف ایرانی، گواهی صادق بر این حقیقت بود که «رهبر» در این سرزمین، نقطه ثقل وحدت است.

استقبال خیره‌کننده از پیکر شهید، نه یک ادای احترام ساده، که یعنی مجدد با آرمان‌های بلند اسلام و انقلاب بود. مردم آمدند تا به دشمنان ایران ثابت کنند که هرگاه پرچمی از دستان مقتدري می‌افتد، هزاران دست دیگر برای برافراشتن آن به سمت آسمان عزت دراز می‌شود. در این میان، شکوه این حماسه، فراتر از مرزهای جغرافیایی نیز بازتاب یافت. حضور نمایندگان ۲۷ کشور جهان، نه تنها نشان‌دهنده عمق نفوذ معنوی رهبر شهید در جبهه مقاومت بود، بلکه پیام «انسجام امت اسلامی» را در برابر

استکبار جهانی به صدایی واحد تبدیل کرد. این رستاخیز ملی، به دشمنان قسم‌خورده‌ی این مرز و بوم یادآوری کرد که سرمایه اصلی نظام جمهوری اسلامی، «مردم» هستند؛ همان مردمی که با وجود تمام گلاب‌ها، وقتی پای «عزت ملی» و «راه ولایت» در میان باشد، یکپارچه به میدان می‌آیند. امروز مشهد، تمام ایران بود؛ ایرانی که در سوگ خادم راستین خود، نه تنها شکسته نشد، بلکه در سایه این وحدت بی نظیر، مستحکم‌تر از همیشه قد علم کرد. این وداع، پیامی روشن داشت: هر که به وحدت این ملت چشم طمع بدوزد، در برابر دیواری از جنس «غیرت فاطمی و حسینی» قرار خواهد گرفت که تزلزل‌ناپذیر است.

مشهد، امروز شکوه اقتدار ملتی را به تصویر کشید که ثابت کرد تا زمانی که این پیوند آسمانی میان امت و امامت برقرار است، هیچ طوفانی توان برهم زدن مسیر این انقلاب را نخواهد داشت. آری، امروز ایران دوباره «یکصدا» شد؛ صدایی که طنین آن تا ظهور دولت بار باقی خواهد ماند و اقوام مختلف ایرانی، گواهی صادق بر این حقیقت بود که «رهبر» در این سرزمین، نقطه ثقل وحدت است. استقبال خیره‌کننده از پیکر شهید، نه یک ادای احترام ساده که یعنی مجدد با آرمان‌های بلند اسلام و انقلاب بود. مردم آمدند تا به دشمنان ایران ثابت کنند که هرگاه پرچمی از دستان مقتدري می‌افتد، هزاران دست دیگر برای برافراشتن آن به سمت آسمان عزت دراز می‌شود. در این میان، شکوه این حماسه، فراتر از مرزهای جغرافیایی نیز بازتاب یافت. حضور نمایندگان ۲۷ کشور جهان، نه تنها نشان‌دهنده عمق نفوذ معنوی رهبر شهید در جبهه مقاومت بود، بلکه پیام «انسجام امت اسلامی» را در برابر استکبار جهانی به صدایی واحد تبدیل کرد. این رستاخیز ملی، به دشمنان قسم‌خورده این مرز و بوم یادآوری کرد که سرمایه اصلی نظام جمهوری اسلامی، «مردم» هستند؛ همان مردمی که با وجود تمام گلاب‌ها، وقتی پای «عزت ملی» و «راه ولایت» در میان باشد، یکپارچه به میدان می‌آیند. امروز مشهد، تمام ایران بود؛ ایرانی که در سوگ خادم راستین خود، نه تنها شکسته نشد، بلکه در سایه این وحدت بی نظیر، مستحکم‌تر از همیشه قد علم کرد. این وداع، پیامی روشن داشت: هر که به وحدت این ملت چشم طمع بدوزد، در برابر دیواری از جنس «غیرت فاطمی و حسینی» قرار خواهد گرفت که تزلزل‌ناپذیر است. مشهد، امروز شکوه اقتدار ملتی را به تصویر کشید که ثابت کرد تا زمانی که این پیوند آسمانی میان امت و امامت برقرار است، هیچ طوفانی توان برهم زدن مسیر این انقلاب را نخواهد داشت. آری، امروز ایران دوباره «یکصدا» شد؛ صدایی که طنین آن تا ظهور دولت بار باقی خواهد ماند.



روایت آخر مسافر جاده اندوه و حماسه

غربت بس است، روسوی آن کوی و بام کن...

«امین» خستگی ناپذیر خراسان در کنج رواق «دارالذکر» مأوا گرفت

گزارش

امروز در تقویم تاریخ ایران، آفتاب بر فراز گنبد طلایی خراسان، متفاوت از همیشه طلوع کرد. پنجشنبه ۱۸ تیرماه مشهدالرضا (ع) نه در غبار، که در هاله‌ای از نور، حماسه و اشک، آغوش مادری خود را بر پیکر مردی گشود که تمام عمرش را در مسیر هدایت امت پیمود و سرانجام پیمان جهاد را امضا کرد. مسافر از عتبات به خراسان بازگشت؛ به خانه خورشید. او که نگاهش سال‌ها لنگرگاه امت بود، حالا خسته از مجاهدت سالیان، به همان زادگاهی برگشته که روزی در قامت جوانی رسید، برای تحصیل علوم دینی و مبارزه آنجا را ترک کرده بود. مشهد، دست‌برسپینه و تمام‌قامت ایستاده تا شاه‌بیت قصیده‌ی باشکوه وداع باشد؛ قصیده‌ای که به شدت پسند طبع لطیف و روح شاعرانه آن سید خراسانی بود؛ دیری است زاشیانه جدا مانده‌ای «امین» غربت بس است رو سوسی آن کوی و بام کن... «امین» (تخلص سروده‌های رهبر شهید انقلاب) آمده است تا کرد خستگی از تن بکند و در سایه دیوار نقاره‌خانه هشت هشت پیاساید. مشهدالرضا (ع) خود را برای نخستین روز سال و استماع پیام بهاری رهبرش آماده کرده بود، اما تقدیر محرم، قاب دیگری بست؛ قاب مردمی که با نگاه‌های اشک‌بار و در هیاهوی یاد داغ تیرماه، خودروی حاصل پیکر قائد خود را از میدان ۱۵ خرداد در برگیرفتند. فرود هوایم‌ای حامل پیکرها در فرودگاه شهید هاشمی نژاد، بانگ آغاز یک ابرویداد تاریخی بود که نظیرش را طوس تنها در دی ماه ۱۳۵۷ به یاد داشت. شهر خورشید امروز در تلاطم بی‌امان دستان اقوام ایرانی، می‌رود تا با طواف برگرد ضریح، آخرین قاب ملکوت را روی صفحات تاریخ معاصر حک کند.

سال‌ها پیش، رهبر شهید با تخلص ادبی «امین»، غزلی سرود و در انتهای آن غزل ناب، رو به آستان رضوی نجوا کرده بود: کنجی گزین و تا به قیامت مقام کن... حالا امروز خادمان حرم، کنجی را برای امت ابدی امین امت برگزیده‌اند تا او را آغوش دهند و در آغوش آفتابگردان ضریح، برای همیشه سر بر آستان ولی نعمت خود بگذارند.

روایت منزل آخر، روایت بازگشت خادم به مدار آفتاب است؛ مردی که تمام این جغرافیا را با گام‌های استراتژیکش به هم دوخت و حالا، در خط پایانی این هجرت سرخ، در بهینه‌ی میلیون‌ها زادگاهش روی دستان مردمان خراسان تشییع می‌شود تا گره دراماتیک یک فرآیند طولانی باز شود... پیش از آنکه خورشید مشهد طلوع کند، کاروان سرخ شهیدا باید از خط آتش و اشک کربلا عبور می‌کرد. چهارشنبه‌شب و در قلب عتبات، کربلا شاهد یکی از بی‌سابقه‌ترین وداع‌های تاریخ خود بود. بدرقه باشکوهی که تا نخستین ساعات بامداد پنجشنبه ۱۸ تیرماه ادامه داشت.

«سید جوده» کربلا رسید؛ محدوده‌ای باستانی که کالبد عارف واصل، سید هاشم الحداد (از شاگردان برجسته آیت‌الله قاضی) را در دل دارد؛ تلاقی غریبی از فقه، عرفان و مبارزه در غبار شبانه کربلا. کاروان با کندی مفرط حرکت می‌کرد؛ ساعت ۲۰:۰۰ بامداد به عمود ۱۳۶۹ رسید و ۱۰:۰۵ بامداد پنجشنبه بود که چرخ‌های خودرو وارد «شارع العباس» شد تا نخستین قاب مشترک تابوت قائد امت با گنبد منور علمدار، در لنز دوربین‌های بین‌المللی ثبت شود.

آوای طواف در حرم شش گوشه ساعت ۲:۵۳ بامداد، انتظار ۱۱ ساعته کربلا سرآمد و سینه شب شکافت؛ پیکر از باب‌القبله وارد آستان حسینی شد. در آن لحظه دراماتیک، بخش صدای ضبط شده رهبر شهید که بر جدش حسین (ع) سلام می‌داد، زلزله‌ای از اشک در بین‌الرحمین به پا کرد. پیکر دوش خادم دور ضریح شش گوشه طواف داده شد تا پایان چندین دهه فراق عینی این فقیه صبور در خاک کربلا رقم بخورد. سرانجام ساعت ۴:۱۴ صبح همزمان با اذان فجر، پیکر رهبر شهید وارد حرم جانناز کربلا شد.

تخمین اولیه‌ی تشکیل‌های امنیتی و رسانه‌ای از اقیانوس عزادارانی که خطوط ترفیقی و میدان‌های مشهد را مهابت کردند.

۲۷ کشور: تعداد ملیت‌ها و هیأت‌های رسمی بین‌المللی که برای تشییع امام مستضعفین خود را به بارگاه طوس رساندند.

۸ لجنی: زوایای چهارگوش ضریح مطهر رضوی که با نماد مینیاتوری «گل‌های آفتابگردان» به نشانه‌ی گردش کائنات در مدار شمس‌الشمس طراحی شده است؛ همان‌جا که مزار ابدی رهبر شهید است.

۱۰۰۰ کیلومتر: مسافت طی شده توسط هموطنان اهل سنت سراوان برای اثبات وفاداری به رهبر شهید در خیابان امام رضا (ع) و در میان ضجه‌های خادمان گلباران شد. با پایان این مراسم ۱۱ ساعته، هوایم‌ای حامل پیکر حوالی ساعت ۵:۲۰ صبح پنجشنبه فرودگاه نجف را به مقصد مشهدالرضا (ع) ترک کرد؛ هجرتی سرخ از فرات تا طوس که به دلیل این سنگ‌تمام بی‌نظیر عراقی‌ها، شروع مراسم ایران در مشهد مقدس را به ساعت ۱۴ روز پنجشنبه موخر کرد.

راز فراق ۶۰ ساله: پسر محله خسروی بازگشته است حالا زمین مشهد زیر پای میلیون‌ها زائر می‌لرزد تا پازل روایی این سفرنامه با گره‌گشایی از عدد ۶۰ سال دوری به اوج برسد.

۲۴:۳۵ در میدان «سید جوده»: ضریح در سکوتی انتظارآلود، چشم به ورودی‌های شهر داشت. ساعت ۲۴:۳۵ به وقت تهران، خودروی حامل پیکر رهبر شهید پس از ساعات‌ها حبس در سیل جمعیت، سرانجام به میدان

را به خیابان امام رضا (ع) برسانند و یا مردانی از چهارمحال و بختیاری با لباس‌های سنتی شان، پرچم سه‌رنگ کشور را بر فراز دست گرفته، شانه‌به‌شانه یاران خراسانی رهبر شهید، به سمت میعادگاه وداع حرکت می‌کنند.

طنین صدای قائد و زلزله اشک در بهینه خیابان‌ها

یکی از دراماتیک‌ترین و سوزناک‌ترین لحظات تشییع، زمانی بود که به تناوب، صدای ضبط شده رهبر شهید از بلندگوهای غول‌پیکر مسیر پخش می‌شد. با طنین آن صدای آشنا، آرام و پرصلابت، گویی جانی دوباره به جمعیت تزریق می‌شد؛ شیون و صدای گریه دسته جمعی مردم در فضا می‌پیچید و عزاداران، اشک‌باران بر سر و سینه می‌زدند. هتل‌ها، رستوران‌ها و خانه‌های مجاور خیابان امام رضا (ع)، درها را به روی زائران خسته و گرم‌زده باز کرده و با توزیع مداوم بطری‌های آب خنک، تلاش می‌کردند بار سنگین آفتاب داغ تابستان را از دوش تشییع‌کنندگان بردارند. در وقت نماز ظهر، اقیانوس انسان در کنار پیاده‌روها و بر روی سنگفرش‌های داغ، صفوف نماز جماعت را تشکیل دادند تا ارادت خود را به فقه این فقیه صبور نشان دهند. سهم هر کس، به اندازه ارادتی بود که او را فرستگ‌ها پیاده در این مسیر کشانده بود.

تلاقی تابوت و گنبد طلا: قاب ماندگار ملکوت

حوالی ساعت ۱۹ عصر به دلیل ازدحام جمعیت در حد فاصل چهارراه دانش تا حرم مطهر رضوی، ادامه انتقال پیکر در میان ضجه‌های مکتوم و شعارهای حماسی به صورت هوایی به حرم مطهر امام رضا (ع) انجام شد. در این لحظه، زیباترین و تکان‌دهنده‌ترین صحنه این سفرنامه در لنز تاریخ ثبت شد: قابی مشترک از تابوت پیکرها در تلاقی با گنبد و گلدسته طلایی حرم رضوی. گویی روح بلند قائد شهید، دست‌برسپینه بر فراز دستان امت ایستاده و زمزمه می‌کند: «اللهم صل علی بن موسی الرضا المرزعی الإمام التقی النقی و حجتک علی من فوق الأرض و من تحت الثرى...»

این شهر پیش‌تر از اینها و برای نخستین روز سال نوروز، خود را برای استقبال از رهبرش و شنیدن پیام استراتژیک او آماده کرده بود؛ اما تقدیر سرخ چنین رقم زد که این بار، مردم نه با چشمانی ذوق‌زده و مشتاقی، بلکه با نگاه‌های اشک‌بار و سینه‌هایی غم‌آلود، خود را برای دیداری به حرم برسانند که دیگر هرگز در این جهان تکرار نخواهد شد.

اقامه نماز در امتداد شاهراه

به دلیل تکمیل آبی و مه‌نازناپذیر ظرفیت صحن‌های بارگاه منور، به‌ویژه صحن پیامبر اعظم (ص) و صحن جامع رضوی، اقامه نماز بر پیکر مطهر به ناچار به خیابان‌های منتهی به حرم نیز کشیده شد. میلیون‌ها زائر یکصد فریاد می‌زدند: «عزاست امروز، روز عزاست امروز / امام هشتم ما، صاحب عزاست امروز».

پس از طنین نماز مغرب و عشاء در صحن پیامبر اعظم (ص)، اقیانوس عزاداران به قامت ایستادند تا نماز بر پیکر مطهر قائد شهید و خانواده گرمی‌شان به امامت فرزند ارشد رهبر شهید اقامه شود. با اتمام این مناسک وداع، پیکرها بر دوش خدام و میان ضجه‌های مکتوم بیت، برای آغاز مراسم خاک‌سپاری به رواق «دارالذکر» در صحن آزادی حرم مطهر رضوی منتقل شدند.

رمزگشایی از غزل ناتمام «امین»

اینجا، در خط پایانی روایت، باید به یک از شاعرانه و مکتوم پناه برد. سال‌ها پیش، رهبر شهید با تخلص ادبی «امین»، غزلی سرود که گویی آدرس دقیق امروز و نقطه پایانی این جاده سرخ را در آن پیش‌بینی کرده بود. او در انتهای آن غزل ناب، رو به آستان رضوی نجوا کرده بود: دیری است ز آشیانه جدا مانده‌ای «امین» / غربت بس است، رو سوسی آن کوی و بام کن / دامم که مستمند و تهدست و بی‌کسی / از بارگاه فیض رضا (ع) توشه وام کن / و آنجا که آمد و شد خیل ملانگ است / کنجی گزین و تا به قیامت مقام کن /... امروز، بیت آخر این غزل محقق شده است. در طرح ضریح مطهر رضوی، در هشت لجنی چهارگوش آن، نقش‌هایی از گل آفتابگردان مشهد به غلیان درآمد. خیابان امام رضا (ع) رسماً به است: همان جایی که خادمان حرم، کنجی را برای مقام ابدی امین امت برگزیده‌اند تا او را آغوش گل‌های آفتابگردان ضریح، برای همیشه سر بر آستان ولی نعمت خود بگذارند.

دیگر جاده به انتها رسید

جغرافیای این هجرت سرخ از شرجی خزر به آفتاب تموز نجف، از جره‌های فیضیه به بین‌الرحمین و سرانجام به آیین خاک‌سپاری در طوس گره خورده است. مسافر جاده اندوه و حماسه اما، دیگران آدم روز اول نیست؛ او حالا چشمانی که غبار نجف قفل شده و سینه‌ای که هنوز از هوسات (جزهای) عشایر در عمود ۹۰۰ کربلا سنگین است، به جاده‌های سرسبز مازندران رسیده که روز اول، روایت این سوگ بزرگ را از بستر شرجی آن و از کنار منزار یاران سفر کرده آغاز کرد.

اگر مشهد امروز حرف میزد

امروز من گذرگاه نبودم؛ بستر یک تمدن بودم. دستان سپید بلوچستان، شال‌های محلی چهارمحال، لپاس‌های گلد و گرد و عرب، روی سینه‌ام یک خط ممتد پایداری ساختند تا جهان بداند این مسافر، لنگرگاه بقیت است که با شهادت سست نمی‌شود. دو رنگ مشکی سوگ و سرخ انتقام را بر تن کردم تا تابوت «امین» از میدان ۱۵ خرداد بگذرد. پسر محله خسروی امروز در تارپوید اشک‌های من به خانه برگشته است. ۶۰ سال بود او را به مصلحت، به پاستور و فیضیه امانت داده بودم. امروز که آمد، نقاره‌ها نمی‌نواختند؛ طوفانی از انسان کوهسنگی و احمدآباد را بلعیده بود تا خادم روضه‌های منوره، برای همیشه زیر سایه شمس‌الشمس سر بر بالین خاک بگذارند.

در مدار طلایی طوس، به آرامش ابدی رسید. دریا در شمال آرام است و «خز» به استقبال مسافری آمده که در منازل پنجگانه قبل، در انتهای هر گزارش با اطمینان نوشت: «فردا جاده روایت دیگری خواهد داشت...» چراکه جاده زنده بود و پیکر رهبر شهید بر دوش امت به پیش می‌رفت، اما امشب، ساعت ۲۰ همزمان با طنین نماز لیل‌الدفن در سراسر کشور، عقربه‌ها می‌ایستند، خاک‌سپاری به پایان می‌رسد و رهبر دیرین امت در آغوش خورشید آرام می‌گیرد. مسافر جاده اندوه و حماسه حالا دیگر رو به افق مه‌گرفته شمال می‌ایستد و می‌نویسد: فردا جاده روایت دیگری ندارد؛ روایت جاده به آغوش خورشید رسید و تمام شد...

روایت مکتوم در شناسنامه این سال‌ها می‌گوید از همان دهه‌های پیش از انقلاب که رهبر شهید در قامت مبارزی پرشور، خطیب صحن عتیق و پسر زاهد محله خسروی و بازار سرشور مشهد بود و سپس با طلوع انقلاب، به اصرار امام (ره) و به دلیل بار سنگین تکالیف استراتژیک امت، زادگاهش را به مقصد تهران و جبهه‌ها ترک کرد، دیگر هرگز فرصت سکونت و زیست دائم در پس کوچه‌های زادگاهش را نیافت. ۶۰ سال دوری عینی از حال‌وهوای بومی خانه‌ای که در آن قد کشیده بود، بهایی بود که این فقیه صبور برای اداره امت پرداخت. او مشهد را رها کرد تا جهان اسلام را مدیریت کند و حالا پس از ۶۰ سال دور ماندن مصلحتی، خادم خورشید به آغوش وطن مادری‌اش بازگشت.

یاران خراسانی سنگ تمام گذاشتند

ساعت ۱۴ روز پنجشنبه ۱۸ تیرماه، پس از ۱۱ ساعت انتظار توأم با بغض مجاوران، انتظارها به سر رسید. هوایم‌ای حامل پیکر رهبر شهید انقلاب و اعضای شهید خانواده ایشان که سپیده دم فرودگاه نجف را ترک کرده بود، در فرودگاه شهید هاشمی نژاد مشهد به زمین نشست. مشهد به میزبانی فرزند شهیدش تمام‌قد نوازند. با اینکه ستاد تشییع، مسیر رسمی را از میدان ۱۵ خرداد اعلام کرده بود، اما از نخستین ساعات بامداد، خیابان‌های فرعی «نواب صفوی، شهدا، شهید اندرزگو و چهارراه دانش» لبریز از کاروان‌های پیاده‌ای بود که شب را در پیاده‌روها به صبح رسانده بودند.

رنگ آمیزی خیابان امام رضا (ع) با دو رنگ سوگ و انتقام

با ورود خودروی حامل پیکرها به ابتدای خیابان امام رضا (ع) و شامه‌ی پایانه مسافربری، طوفان اصلی آغاز شد. اقیانوس انسانی مشهد به غلیان درآمد. خیابان امام رضا (ع) رسماً به صفحه‌ای رنگ‌آمیزی شده با دو تم متمایز تبدیل شد؛ مشکی عزای قائم امت، و سرخی بی‌امان پرچم‌های «با لثارات الحسین و انتقام که در پیاد تموز به اهتزاز درآمده بودند.

جمعیت به قدری متراکم و فشرده بود که خودروی حامل پیکرها در دست‌انداز عواطف مردم، سانسی متری حرکت می‌کرد. کوچه پس‌کوچه‌ها و به قول مردم مشهد میلان‌های اطراف فدائیان اسلام و بهار کاملاً مسدود شده بود و تردد حتی با پیای پیاده و سخی صورت می‌گرفت. در این میان، پلاکاردها و دست‌نوشته‌های انگلیسی جوانان مشهدی با ترجمه‌ی «We stand up to the end (ما تا آخر ایستاده‌ایم)» پیام راهبردی این تشییع را به کیت‌های رسانه‌ای جهان مخایره می‌کرد؛ پیامی مبنی بر اینکه تفکر استراتژیک آقای شهید، با شهادت ترور نمی‌شود.

تجلی یکپارچگی ملی: از سپیدی سراوان تا شال‌های چهارمحال نقطه‌ی نقل این ابرویداد تاریخی، تجلی شکفت‌انگیز یکپارچگی یک ملت بود. مشهد امروز پایتخت تمام اقوام ایرانی بود؛ گرد و تُرک، فارس و عرب، لک و لر، همگی زیر یک بیرق می‌گریستند. در میان سیل خروشان، حضور معنا‌دار مردان اهل سنت با لباس‌های سپید محلی سیستان و بلوچستان، چشم‌دربین‌ها را خیره کرده بود. «محمد» جوانی که پیش از ۱۰۰۰ کیلومتر مسیر از شهرستان سراوان طی کرده تا خود



سفرنامه وداع

گزارش



۱۹ تیر ۱۴۰۵
۲۵ محرم ۱۴۴۸

سال سی و دوم

Friday

10 July 2026

العهد: پایان ۶۹ سال دوری مراسم وداع با رهبر امت اسلامی (شهید سید علی خامنه‌ای) در کربلا و نجف با حضور میلیونی فرزندان عراق و علمای این کشور برگزار شد.

الجزیره: مشهد پس از تشییع عظیم در ایران و عراق، آماده خاکسپاری آیت الله خامنه‌ای می‌شود. پیکر آیت الله سید علی خامنه‌ای، رهبر ایران، پنجشنبه در شهر مشهد در شمال شرقی ایران به خاک سپرده خواهد شد و مراسم تشییع شش روزه که شامل تشییع پیکر در چندین زیارتگاه برجسته شیعه در ایران و عراق بود، به پایان می‌رسد.

السومریه: سومریه نیز: بعد از عراق، مشهد برای تشییع و خاکسپاری آیت الله خامنه‌ای آماده می‌شود. رسانه‌های ایرانی اعلام کردند که شهر مشهد، پنجشنبه، برای تشییع و خاکسپاری آیت الله علی خامنه‌ای آماده می‌شود، پس از مراسم مشابهی که در تهران، قم و عراق برگزار شد.

المیادین: پیکر رهبر شهید، برای آماده شدن جهت تشییع تاریخی، وارد مشهد شد. شهر مشهد در حالی پذیرای پیکر رهبر شهید، سید علی خامنه‌ای، خواهد بود که در جوار حرم امام رضا (علیه السلام) به خاک سپرده می‌شود. این مراسم (که قرار بود صبح پنجشنبه برگزار شود) به دلیل وداع رسمی عراقی‌ها با حضور گسترده مردم به ساعات بعدازظهر موکول شد.

المنار: مشهد میزبان پیکر امام خامنه‌ای در پایان مراسم تشییع شش روزه خواهد بود.

پیکر رهبر معظم جمهوری اسلامی، آیت الله العظمی سید علی خامنه‌ای، در پایان مراسم تشییع شش روزه در شهر مشهد در شمال شرقی ایران به خاک سپرده شد.

این مراسم شاهد حضور بی‌سابقه مردم، حدود ۴۰ میلیون نفر تخمین زده می‌شود، که طی آن شهرهای ایران و عراق در مسیر تشییع امام شهید تا آرامگاه ابدی‌اش، وفاداری خود را به راه او ابراز کردند.

عربی واقلیمی

مشهد تحتضن جثمان الإمام الخامنئی في ختام مراسم تشییع استمرت 6 أيام



... سیدعباس موسوی

من نمی دانستم معنی هرگز را! تو چرا بازنگشتی دیگر؟!

... حسین نغلی

دنیال عدد و رقم در تشییع آقا نیاشید. دنیال این که چه ساعتی رسید و چه ساعتی برگشت. کجا چه اتفاقی افتاد. یک بار دیگر عزت شیعه در وداع با یک رهبر دینی-سیاسی بزرگ به رخ جهانیان کشیده شد. مراسم تشییع آقا خاری بود در چشم دشمنان، و تا سال‌های سال نقل مجالس و محافل مختلف خواهد بود.

... فاطمه کریمخان

جمعیت تشییع، آرایش (ترامپ) می‌داد، تلافی کرد.

... میلاد کوزری

سال‌ها در هیات‌ها شنیده بودم که «کریلایی بودن به کریلا رفتن نیست؛ به کریلایی شدن است»؛ رفیق ...

... کبری اسووار

باید به ترامپ برسانیم طرفداران خامنه‌ای زیادند، خیلی زیاد؛ آنقدر زیاد که آن جمعی که بخاطر حملات امسروز آمریکا و لغو قطارها به مشهد نمی‌رسند، قطره‌ای دل جامانده‌ها می‌سوزد، اما یک جمعیت بی‌شمار اینگونه کم نمی‌شود، نه ما نه کم می‌شویم، نه می‌ترسیم؛ ایستاده‌ایم!

... محمد صرفی

فرعون زمانه که آمده بود ظرف ۳ روز کار ایران را تمام کند حالا نگران و هراسان از جان خودش است. پرچم‌های سرخ دریای تشییع‌کنندگان کار خود را کردند.

یادداشت

سوگ ملی، ۴ ماه اشک و فریاد

محمد سرایی
روزنامه نگار

ایران این روزها صحنه تجلی انده عظیم و خروش ملی است. شهادت رهبر انقلاب اسلامی، ملتی را در عزایی بی‌سابقه فرو برده که تنها نشانه غم و درد نیست؛ این سوگ دسته‌جمعی، نمایشی از اراده ملی برای ترمیم آسیب عمیق واردآمده بر پیکره جامعه است. بررسی تصاویر چهار ماهه تجمع‌های خیابانی و یک هفته وداع و تشییع به ما نشان می‌دهد آنچه امروز در خیابان‌های ایران می‌گذرد، نه یک واکنش مقطعی، بلکه زنجیره‌ای یافته شده و پیوسته است که ماه‌هاست تداوم یافته و چهره جدیدی از اراده ملی را به نمایش می‌گذارد.

دشمنان در ابتدا تصور می‌کردند شهادت رهبر، عمود خیمه انقلاب را خواهد شکست اما محاسبات تغییر کرد. از همان سحرگاهی که شهادت رهبر اعلام شد، موجی از اندوه و خشم سراسر کشور را فرا گرفت. اما آنچه این جنایت را از بسیاری حوادث تلخ تاریخ ایران متمایز کرده، استمرار بی‌وقفه حضور مردم در صحنه است. در طول این چهار ماه، خیابان‌های تهران و صدها شهر دیگر، هر شب میزبان تجمعاتی بوده که در آن، جمعیت انبوهی از اقشار مختلف جامعه گرد هم آمده‌اند.

این گردهمایی‌های شبانه، که گاه تا ساعات بامداد ادامه یافت، نه صرفاً سوگواری ساده، بلکه اعلام موضعی صریح و آشکار بوده است. در تمام این شب‌ها، یک فریاد مشترک از گلوهای هزاران نفر پیروز آمده: «انتقام خون رهبر شهید». این شعار که به نماد اصلی این تجمعات تبدیل شده، نشان می‌دهد که جامعه ایرانی، شهادت را نه پایان راه، بلکه آغازی برای فصل جدیدی از مبارزه می‌داند.

اوج این حضور پرشور، در مراسم وداع با پیکر مطهر رهبر شهید در صحنای بزرگ تهران و سپس تشییع باشکوه در خیابان انقلاب رقم خورد. میلیون‌ها نفر که از سراسر کشور خود را به پایتخت رسانده بودند، با چشمانی اشک‌بار و مشت‌های گره‌کرده، شعارهای مشترکی را فریاد می‌زدند. در آن روزهای تاریخی، فضای صلی و مسیر خیابان انقلاب تا میدان آزادی، مملو از جمعیتی بود که نه تنها عزاداری می‌کردند، بلکه با صدای بلند، خواستار انتقام از عاملان و آمران بودند. پرچم‌های سرخ رنگ که بر فراز جمعیت به اهتزاز درآمده بود همگی گواه بر این حقیقت بود که این مراسم، تلفیقی از سوگ و خشم، از اشک و آتش، از وداع و وعده انتقام بوده است. مردم، با حضور حماسی خود، به دشمنان داخلی و خارجی پیام روشنی دادند که خون رهبرشان هدر نخواهد رفت و این جنایت، بی‌پاسخ نخواهد ماند.

میلیون‌ها ایرانی در مراسم تشییع و خاکسپاری در شهرهای مختلف، از تهران تا مشهد، حضور یافتند و صحنه‌هایی کم‌نظیر از همبستگی ملی را خلق کردند. این حضور گسترده، چیزی فراتر از وداع با یک رهبر بود؛ اقدامی جمعی برای ترمیم آسیب روحی و سیاسی ناشی از این ضایعه بزرگ محسوب می‌شود. مردم با این گردهمایی عظیم، پیام دادند که جامعه ایرانی با وجود انده، منسجم‌تر از همیشه در مسیر آرمان‌های انقلاب گام برمی‌دارد. اما نکته کلیدی این است که مطالبه انتقام، تنها واکنشی احساسی نیست، بلکه پاسخی راهبردی برای مقابله با بار سنگین شهادت رهبر و ترمیم خلأ ایجادشده در جامعه است. پیوند این سوگواری با مفاهیم عمیق مذهبی، به ویژه قیام کربلا، تلاشی برای تبدیل یک تراژدی ملی به سرمایه‌ای برای همبستگی و مقاومت است.

جامعه ایرانی در طول تاریخ خود نشان داده که به تناسب شدت هر حادثه، واکنشی متناسب از خود بروز می‌دهد. آنچه امروز در خیابان‌های ایران می‌گذرد، دقیقاً مصداق همین قاعده تاریخی است: ملتی که در سخت‌ترین لحظه، با جمعیت ظرفیت‌های عاطفی و نمادین خود، آن را به فرصتی برای بازسازی انسجام ملی تبدیل می‌سازد. این مکانیسم خودتنظیم‌گر، رمز دوام جوامع در مواجهه با مشکلات است. تجربه چهار ماهه اخیر، به روشنی نشان داده که جامعه ایرانی با وجود همه تفاوت‌ها و سلیق گوناگون، در برابر تهدید وجودی، وحدت مثال‌زدنی از خود بروز می‌دهد.

در ستایش هنر

اسماء غفاری
روزنامه نگار

هنر در نگاه آیت الله شهید سید علی خامنه‌ای دایره وسیعی را دربر میگرفت. ایشان در دیدارهای متعدد با هنرمندان سخن میگفتند و آنها را در چگونگی بکارگیری موهبتی که خدا در وجود آنها قرار داده راهنمایی می‌کردند. آثار هنری‌ها با دقت بررسی می‌کردند و پدیدآورنده اثر را تحسین کرده و با او به گفت و گو می‌نشستند. ایشان در یکی از سخنرانی‌های خود خطاب به هنرمندان فرموده بودند: کارهای هنری، شعر، مستند، فیلم، کتاب یا جلسات می‌تواند حامل پیام باشد؛ ما به این [نوع کارها]، به پیام شهدا احتیاج داریم. اینها بایستی منتقل بشود و انتقالش هم عمدتاً، به زبان هنر احتیاج



دارد. آقا بر وجه تمایز هنر اسلامی و غیر اسلامی تاکید داشتند و معتقد بودند آنچه این دو را از هم متفاوت میکند، روح هنر اسلامی است. چرا که هنر را به عنوان یک پدیده انسانی که از الهام‌های درونی و تراوش معنویت انسان نشأت می‌گیرد، میشناختند و معتقد بودند وقتی هنر از دل و باور ایمانی برخیزد هنر اسلامی پدیدار میشود. هنر از دل و باور ایمانی برخیزد هنر اسلامی پدیدار میشود. رهبر شهید، توجه ویژه‌ای به هنر و صنایع دستی مناطق مختلف ایران داشتند و اهتمام به آن را به مسئولین گوشزد میکردند و توصیه شان این بود که پیشکسوتان و اساتید این هنرها را که غالباً با زحمت فراوان همراه است با تشویق و قدردانی دلگرم کرده و موجب استمرار مسیرشان شوند. در عشق و درک ایشان از ژرفای هنر همین بس که یک شخصیت عالم مذهبی، درباره تابلوی نقاشی "عصر عاشورا" ی استاد فرشچیان فرمودند: من

اینجا مشهد





اینجا مشهد خانه آخر، خانه ابدی؛ مراسم تمام شد و خدا حافظی‌ها انجام. حالا رهبر شهید در کنار امام ایرانیان آرام می‌گیرد. اما بیرون از حرم، مردمان هنوز آرام نشده‌اند، آنها دنبال انتقام هستند. به دنبال خونخواهی. پرچم‌های سرخ که در خیابان‌های مشهد در مراسم آخرین تشییع دست مردم بودند شاهد این خونخواهی و این خواسته است به خصوص اینکه هنوز مراسم تمام نشده، عزیزان دیگری از وطن به دست دشمنان به شهادت رسیدند.

آن سوی ویلچر، قامت مقاومت

در میان دریایی از سیاهی، پیرمردی بی‌ویلچر نشسته است. تنش خسته، اما نگاهش هنوز روشن. عضاهايش کنارش آرمیده‌اند، گویی وسیله‌هایی‌اند که دیگر نیازی به آنها نیست، چرا که پایداری او دیگر بر دوش پاهایش نیست، بر دوش ایمانش است. گرداگردش، موجی از انسان‌ها در سوگ می‌خرامند؛ سیاهپوش، آرام، اما استوار. باد پرچم‌ها را می‌چنابد. پرچم ایران، سبز و سفید و سرخ، در دل جمعیت می‌رقصد، و در کنارش نشان حزب‌الله، چون مهری بر عهدی نانوخته. این پارچه‌ها فقط رنگ نیستند، روایت‌اند، حافظه‌اند، پیمانی‌اند که نسل به نسل تکرار می‌شود. پیرمرد، در دل این جمع، نه غریبه است و نه فراموش‌شده. او تصویری ست از تاریخی که هنوز نفس می‌کشد، از مقاومتی

که تن رنجور را هم به میدان می‌آورد. دستان کسی که ویلچر او را هدایت می‌کند، نمادی ست از پیوندی که میان نسل‌ها جاری‌ست جوانی که پیری را بر دوش می‌نهد، همان‌گونه که یک ملت، گذشته‌اش را فراموش نمی‌کند. سیاهی لباس‌ها، سوگ را فریاد می‌زند، اما در ژرفای آن، نوعی سرفرازی خفته است. سرفرازی کسانی که در عزای نیز می‌ایستند، در ضعف نیز راه می‌روند، و در سکوت نیز سخن می‌گویند. این تصویر، حماسه‌ای کوچک از یک روز عادی است. حماسه‌ای که در آن، ناتوانی جسم در برابر اراده‌ی بزرگ‌تر، رنگ می‌بازد. و چنین است که این عکس، بیش از یک لحظه، یک نماد می‌شود: نماد ملتی که در سوگ نیز شکوه دارد و در ضعف جسم، ستون‌های ایمانش را استوارتر می‌بیند.

